

دهیم. ۴ سال مستمر داریم آموزش می‌دهیم و برابرم ارزشمند است که ۲ هزار نفر از زنان شهرم رابه سلاح هنر مجهز کرده‌ام.»

کارمن در اولویت مسئولان نیست

او از طرح‌های زیادی که دارد سخن می‌گوید: دهکده‌ی مشاهیر، دهکده‌ی هنرهای دستی و دهکده‌ی سکه‌های ایرانی و سکه‌هایی که در ایران و اسلام ضرب شده است. این طرح‌هایی است که مطرح شده، اما استقبالی از آن نشده است. آقای توضیح می‌دهد: «کارمن در اولویت مسئولان نیست، بارها گفته‌ام همه‌ی زائران و مسافرانی که به مشهد می‌آیند در حرم نیستند، اگر بخواهیم از حضور گردشگران سرمایه‌کسب کنیم بهتر است هر گردشگری که به شهر می‌آید به جای دو روز، سه روز در مشهد بماند و برای ماندنش باید بهانه‌ای باشد. چندسالی است که رهبر معظم انقلاب درباره‌ی «تولید ملی» و «اقتصاد مقاومتی» می‌گویند، اما یک همایش در این زمینه تاکنون نگذاشته‌اند. کارآفرینی زمان و آموزش می‌خواهد، اما تاکنون چیزی در این راستا ندیده‌ایم.»

پس از مدتی صحبت و دعوی‌ای بامن، متوجه شد قصدی نداشته‌ام. دوختن، ژن مشترک همه‌ی انسان‌هاست. یک زمان خورچین، چادر و خیمه و... درست می‌کردند و حالا به نوعی دیگر از آن استفاده می‌کنند. در گذشته فرزندانمان در ۱۲ سالگی آنچه را پدر و مادرشان می‌آموختند، یاد می‌گرفتند و برای ۲۰ سالگی برنامه‌ریزی می‌کردند، اما جوانان امروز مادر ۳۰ سالگی هم نمی‌دانند چه می‌خواهند. دلسوز هنر نداریم. نمایشگاه می‌گذارند، اما برای غرفه‌ها هزینه می‌گیرند. پتانسیل هیئت‌ی مردم زیاد است. ما باید مردم راراه بیندازیم و سرداران اقتصادی آموزش

که در کلاس‌های او آموزش می‌بینند، زشت می‌دانند جنس چینی بخزند. آن‌ها به این دانش رسیده‌اند که خرید کالای چینی یعنی نان از سفره‌ی همسایه‌ات بزدید و او را بیکار کنی. مصطفی آقایانی اعتقاد دارد که آموزش باید همراه با نکات اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی باشد:

«من تلاش می‌کنم و دوست دارم که آنقدر آموزش دهم و تولید کنم تا به چین فشار بیاید و عقب بکشد. وقتی بازار خودمان اشباع باشد و مردم نتوانند جنس ایرانی خوب را تهیه کنند، دیگر نیازی به اجناس چینی نخواهند داشت. ما هنرمند نااشتبیم؛ خالی بودیم، اما می‌خواهم با آموزش ۱۱ هزار نفر این خلأ را پر کنم.»

بعد با لبخندی از رضایت می‌گوید: «انگار خانم‌های مشهدی منتظر چنین پروژه‌ای بودند. تاکنون استقبال خوبی از این طرح شده است. فکر می‌کنم هدیه‌ی امام رضا (ع) به من، کاربردی و کارآفرینی کردن این پروژه بود.» او ادامه می‌دهد: «فقر فرهنگی زنان ایرانی بس است. تا کی دختران و زنان ماندند از چه چیزی الگو بگیرند و چه چیزی بیوشند؟ دختران ما وقتی لباس اقوام ایرانی را ندیده‌اند، آن وقت چه چیزی را باید انتخاب کنند؟ اگر زنان ما هنر داشته باشند، در صورت بروز مشکلات اقتصادی در زندگی می‌توانند از آن بهره‌برند. زنان هنرمند وقت آن را ندارند که زمانشان رابه بطلان بگذرانند. روح و جسمشان تحت‌تأثیر فرهنگ و اصالت خودشان است.»

اثمه را آن‌طور که باید به

مردم معرفی نکرده‌ایم

آقایانی از اینکه نتوانسته‌ایم اثمه را آن‌طور که باید به فرزندانمان بشناسانیم، گله‌مند است. او می‌گوید: «همه‌جامی گویند امام‌یتیم‌ها، اشکال ندارد خوب است از این ویژگی‌های امام می‌گوییم، اما چه اشکالی دارد در روضه ۳۰ دقیقه‌ای، سه دقیقه هم از کارآفرینی حضرت بگوئیم؟ حضرت چاه می‌کند، زمینی را آباد می‌کند و مسجد می‌ساخت و از عایدی آن زمین برای مسجد هزینه می‌کرد. حضرت علی (ع) در مدیریت‌های کلان کشوری و مدیریت‌های فردی در سطح بالایی بودند، چقدر برای جوانانمان از این‌ها گفته‌ایم؟ کجا مطرح می‌کنیم که حضرت زهرا (س) به همراه فرزندانمان عبا می‌بافتند؟»

برای هنر کتک هم خورده‌ام

برای یادگیری هر دوختی باید به شهرهای مختلف سر می‌زد و آموزش می‌دید. این کار ساده‌ای نبود. برای خیلی از افراد، با فرهنگ‌های متفاوت، راحت نبود که اجازه بدهند جوانی که نمی‌شناسند در کنار همسرشان بنشینند و هنر یاد بگیرد، اما با هر سختی‌ای که بود آن‌ها را قانع می‌کرد تا دوخت‌ها را به او بیاموزند. او تعریف می‌کند: «یک‌بار در فرودگاه محو تماشا می‌دیدم که یک خانمی بودم که ناگهان همسرش آمد و با من درگیر شد. هر چه به او می‌گفتم که من کارم دوخت‌های سنتی است، نمی‌پذیرفت تا اینکه

باشد، در غیر این صورت انجام آن کار اشتباه است.» او از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ به دنبال آموزش و ارتقای هنرش بود تا توانست ۸ هزار محصول را تولید کند. کاری را ابداع کرده بود که هیچ دستگاه مدرنی نتواند آن را انجام دهد و تمامش هنر بانوان ایرانی باشد. کم‌کم در کنار گروه‌های مختلف قرار گرفت و کار اجرایی انجام می‌داد تا اینکه سال ۱۳۹۴ با خیریه‌ی «گل نرگس» آشنا شد و با همکاری مسئولان خیریه، آموزش خود را در سطح گسترده‌تری آغاز کرد. پس از آن به فرهنگ‌سرای «خادم‌الشریعه» رفت و بعد هم به دعوت «بنیاد شهید»، با این سازمان همکاری می‌کند. او بدون هیچ تبلیغی تاکنون توانسته ۲ هزار نفر رابه‌طور رایگان آموزش دهد.

کارش تولیدمحور است

در بسیاری از هنرهای فردی که می‌خواهد آموزش ببیند، چندسالی باید خاک بخورد تا آبدیده شود. تازه پس از سه چهار سال آموزش ممکن است هنرش به تولید برسد یا نرسد؛ اما آموزش‌های آقای فرق دارد. کارش تولیدمحور است. کارآموز بعد از ۱۰ جلسه‌ای که آموزش می‌بیند، می‌تواند خودش تولیدکننده شود. این هنرمند محله‌ی جهان‌آرا توضیح می‌دهد: «هنر جوی ما پس از ۱۰ جلسه آموزش، وارد چرخه‌ی تولید می‌شود. هر چند تاکنون نتوانسته‌ایم ۲ هزار نفر را آموزش دهیم، اما هنوز نتوانسته‌ایم همه‌ی هنر جویان رابه چرخه‌ی تولیدمان بیاوریم. تقاضای زیاد است و عرضه، کم. هنر جوی ما پس از یادگیری، اول از همه برای خودش و خانواده‌اش تولید می‌کند، سپس برای اطرافیان. ممکن است بعد از گذشت یکی دو سال که برای خودش تولید می‌کند، بتواند با ما همکاری داشته باشد یا نه.»

در حال حاضر عرضه و تقاضای

ما با هم تناسب ندارد

چهار سال است که آموزش می‌دهد. ۲ هزار نفر هم تعداد کمی نیست. با این وجود سفارش دارند، اما هنرمندی، که برای آن‌ها محصول تولید کند، ندارند. آقای می‌گوید: «هنوز خروجی‌ای را که می‌خواستیم نداریم. در حال حاضر عرضه و تقاضای ما با هم تناسب ندارد؛ هر چند از نگاه ما ایرادی نیست. هدف ما از این آموزش، تولید و اشتغال بود، چه برای خودشان یا مجموعه‌ما. مهم این است که بانوی ایرانی ارزش و جایگاهش مشخص باشد و هنر و اصالت خودش را بشناسد.» او از آینده‌ای نه‌چندان دور بر ایمان می‌گوید، از روزی که ۱۱ هزار هم‌استانی‌اش را آموزش خواهد داد و کارش را در سطح فرااستانی آغاز خواهد کرد. در گام دوم می‌خواهد ۸ میلیون نفر را در سطح کشور آموزش دهد؛ باز هم به نیت امام هشتم.

خرید جنس چینی ممنوع

کلاس‌های آموزشی او تنها به آموزش هنرهای دستی ختم نمی‌شود. او به دنبال این است که روح این افراد را ارتقاء دهد و به آن‌ها بیاموزد قدر و منزلت خودشان را بیشتر بدانند. افرادی



هر هنر جوی ما
پس از ۱۰ جلسه
آموزش، وارد
چرخه‌ی تولید
می‌شود. هر چند
تاکنون نتوانسته‌ایم
۲ هزار نفر را
آموزش دهیم، اما
هنوز نتوانسته‌ایم
همه‌ی هنر جویان
رابه چرخه‌ی
تولیدمان بیاوریم.
تقاضای زیاد است
و عرضه، کم.
هنر جوی ما پس از
یادگیری، اول از
همه برای خودش
و خانواده‌اش تولید
می‌کند، سپس
برای اطرافیان.